

از شکوه سلطنتی تا سیاه‌چال استبداد

۲۱ خرداد ۱۴۰۴ ساعت ۱۹:۳۸

زندان قصر، نامی که با شنیدنش، خاطرات تلخ سرکوب و شکنجه در تاریخ معاصر ایران زنده می‌شود. اما کمتر کسی می‌داند که این زندان مخوف، روزگاری کاخی باشکوه از دوران قاجار بود. روایتی از دگردیسی یک بنا، از نماد تجمل و قدرت سلطنتی، به نمادی از استبداد و خفقان در دوران پهلوی.

زندان قصر نام زندانی مخوف است که قدمت سازه آن به دوره قاجار بازمی‌گردد. در دوره قاجار اساساً زندان قصر به شکل و شمایل یک زندان وجود نداشته بلکه آنچه که وجود داشت کاخی بود که به دلیل ساختار فیزیکی خاص آن به پادگانی نظامی شباهت داشت. با این حال این زندان مخوف از دوره رضاشاه به یک زندان واقعی تبدیل شد و به شکل محلی برای حبس و زندانی کردن بسیاری از مخالفان حکومت درآمد. زندان قصر در این دوره محل حبس و قتل بسیاری از آزادیخواهان، شاعران، روزنامه‌نگاران، فعالان سیاسی و سایر مخالفان حکومت بود.

نگاهی به تاسیس زندان قصر

زندان قصر در سال ۱۳۰۸ تاسیس شد. البته بنای این زندان پیش از آن به شکل کاخ موجود بود. در واقع نام اصلی زندان، کاخ قاجار بود که فتحعلی شاه آن را در سال ۱۲۱۳ هجری قمری در منطقه شمیران بنا کرده بود. اما در دوره رضاشاه این کاخ تبدیل به زندان می‌شود. در رابطه با پیشنهاد طرح تبدیل کاخ به زندان از شخصی به نام سرتیپ درگاهی نام برده می‌شود. درگاهی، وزیر نظمیه و رئیس پلیس مخوف رضاخان بود که کار ساخت زندان را بر عهده گرفت و جالب است که اولین زندانی این زندان هم خود وی بود.^[۱]

البته در رابطه با طرح پیشنهادی زندان قصر در برخی از منابع از تیمورتاش و مارکوف نیز نام برده شده است. به عبارتی گفته شده است که طرح پیشنهادی زندان از تیمورتاش و مارکوف بود؛ اما ساخت آن توسط سرتیپ درگاهی صورت گرفت. در یکی از این منابع آمده است: طرح زندان قصر قاجار را که در سال ۱۹۲۹ بنا شد، تیمورتاش پس از بازدید از چند زندان در اروپا داده بود تا «منزل مناسبی برای زندانیان سیاسی باشد.» در همین جا بود که خود تیمورتاش نیز محبوس شد و نهایتاً درگذشت.^[۲] مارکوف نیز از معماران مطرح روسی بود که ارتباط دوستانه و صمیمانه‌ای با رضاشاه داشت. او نیز ساختمان کاخ قاجار را از نظر مکانی برای تبدیل شدن به زندان مناسب دید و در طراحی و معماری زندان با حکومت رضاشاه همکاری کرد.

چرا زندان قصر ایجاد شد؟

در زمان رژیم رضاشاه با توجه به ساختار استبدادی حکومت، نیاز مبرمی به زندان بزرگی برای حبس مخالفان و زندانیان سیاسی احساس شد. در واقع «این ساختمان عظیم یک طبقه که از بارزترین نشانه‌های حومه شمالشرق تهران است» آشکارا با این هدف طراحی شده بود که بر دل «مجرمان سیاسی» احتمالی رعب و وحشت بیندازد. [۳] رضاشاه که بنای حکومت خود را بر پایه حکومتی استبدادی قرار داده بود، روش‌های سنتی حبس و زندانی شدن را متناسب با حکومت خود نمی‌دید. به طور کلی حکومت‌های استبدادی، شکنجه زندانیان و مخالفان سیاسی به بدترین و سخت‌ترین شکل ممکن را لازمه سیستم سیاسی خود می‌دانند. زیرا مستبدان و دیکتاتورها از یک سو ترس و واهمه از دست دادن قدرت خود را دارند و از سویی معتقدند حفظ حکومت تنها از طریق حذف مخالفان و ایجاد ترس میان مردم امکان‌پذیر است. به عبارتی به زعم مستبدان، ایجاد ترس در میان مردم باعث می‌شد تا آنها سودای براندازی حکومت را از سر خود بیرون کنند. این دیدگاه باعث شد تا رضاشاه نیز با تاسیس قصر زندان، تا مخوف‌ترین روش‌های شکنجه زندانیان را به کار گیرد.

چه کسانی در زندان قصر زندانی شدند؟

زندان قصر محل حبس و شکنجه بسیاری از افراد معروف و نامی آن دوره بود. نصرت‌الدوله فیروز فرزند عبدالحسین میرزا فرمانفرما، سرتیپ درگاهی، تیمور تاش، سردار اسعد بختیاری و علی مردان‌خان بختیاری برخی از افراد معروف آن دوره هستند که اکثرا به جرم فعالیت‌های سیاسی زندانی و شکنجه شدند. دکتر تقی آرانی از سیاستمداران چپ‌گرا نیز از دیگر افرادی است که همراه با گروهش، روانه این زندان شد. آرانی از اعضای برجسته گروهی بود که از اواخر سال ۱۳۱۵ش تا اوایل سال ۱۳۱۶ش به تدریج دستگیر و در زندان قصر زندانی شدند. این گروه که به گروه ۵۳ نفر معروف شدند متهم بودند که از مرام اشتراکی و کمونیستی پیروی می‌کنند و با بیگانگان (که مقصود طرفداری از شوروی و نظام سیاسی حاکم بر آن کشور بود) ارتباط یافته سر و سری پیدا کرده‌اند. [۴]

علاوه بر زندانیان سیاسی، افراد بی‌گناه دیگری نیز به اتهامات مختلفی مهمان زندان قصر شدند. زمینداران از جمله این افراد بودند که بعد از دستگیری وارد اتاق قباله می‌شدند. این اتاق مختص سرلشکر محمدحسین آیرم بود. بر این اساس، هرگاه زمین‌داران و یا زندانیان دیگری که مالک املاکی بودند که مورد توجه رضاشاه و کارپردازان اداره املاک اختصاصی قرار می‌گرفت و آنها حاضر به تقدیم آنها به رضاشاه نبودند در آن بخش محبوس می‌شدند و در نهایت زیر شکنجه‌های مفصل، که از سوی شکنجه‌گران شهربانی از آنان به عمل می‌آمد، قباله از پیش تنظیم‌شده را با رغبت تمام به نام رضاشاه امضا می‌نمودند. [۵]

ساختار زندان قصر

زندان قصر دارای ظرفیت ۲ هزار نفری بود. البته ظرفیت آن در ابتدا بسیار کمتر بود؛ اما به تدریج افزایش یافت. زندان دارای چند بند بود که هر بند برای زندانیان مختلف در نظر گرفته شده بود. به عنوان مثال یک بند مختص زندانیان سیاسی بود، بند دیگر به زندانیانی که جرایم سبک‌تر داشتند اختصاص داشت و.. به طور کلی ساختار زندان ساختار پیچیده‌ای نبود؛ اما دقیقا شکل و شمایل زندان‌های سیاسی مدرن اروپایی را داشت. بسیاری از افراد این زندان را همطراز با زندان‌های سیاسی حکومت‌های استبدادی در اروپا می‌دانستند.

زندان قصر به عنوان یادگاری مهم و البته تلخ در تاریخ سیاسی ایران به شمار می‌آید که بیانگر واقعیت‌های سختی است که زندانیان سیاسی در رژیم پهلوی با آن مواجه بودند. این زندان در ابتدا به عنوان کاخ ساخته شد، اما در اوایل قرن بیستم به زندانی برای مخالفان رژیم رضاشاه تبدیل شد. با گذشت زمان، زندان قصر به خاطر شرایط ظالمانه‌ای که زندانیان به خصوص زندانیان سیاسی متحمل شدند، به زندانی بدنام و مخوف تبدیل شد. البته برخی از زندانیان نیز این مرکز را یک تریبون ناخواسته برای بیان حقایق سیاسی و فرهنگی تبدیل کردند. زندان قصر به دلیل شکنجه‌های بسیاری که توسط حکومت پهلوی به زندانیان اعمال شد، نماد قدرتمند مبارزه برای آزادی و عدالت در ایران است.

[۱] - محمدقلی مجد، از قاجار به پهلوی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۵

[۲] - محمدقلی مجد، رضا شاه و بریتانیا بر اساس اسناد وزارت خارجه آمریکا، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۸

[۳] - محمدقلی مجد، رضا شاه و بریتانیا بر اساس اسناد وزارت خارجه آمریکا، همان، ص ۱۵۸

[۴] - جمعی از نویسندگان، بانک جامع مقالات انقلاب اسلامی ایران، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲۰

[۵] - ابوالحسن عمیدی نوری، یادداشت‌های یک روزنامه‌نگار (تحولات نیم قرن اخیر تاریخ معاصر ایران از نگاه ابوالحسن عمیدی نوری)، به کوشش: مختاری حدیدی - جلال فرهمند، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۱، ص ۲۰۷